

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>

فعل ها در زبان عربی بر اساس شکل « سوم شخص مفرد ماضی » به دو گروه تقسیم می شوند:

گروه اول: فعل های ثلاثی مجرد که در شکل سوم شخص مفرد ماضی فقط از سه حرف اصلی (ریشه) تشکیل می شوند.

مثال : شَكَرَ، قَطَعَ، عَرَفَ، كَتَبَ و كَتَبْتُمْ : سوم شخص مفرد مذکر (كَتَبَ)

گروه دوم: فعل های ثلاثی مزید که در شکل سوم شخص مفرد ماضی علاوه بر سه حرف اصلی (ریشه) حرف یا حروف زائد دارند.

مثال: اسْتَخْرَجَ (سه حرف زائد «ا-س-ت» دارد)، اعْتَرَفَ (دو حرف زائد «ا-ت» دارد)، انْقَطَعَ (دو حرف زائد «ا-ن»)، تَشَكَّرَ (دو حرف زائد «ت و تکرار حرف دوم (ک) که به خاطر ادغام، با تشدید آمده است). شاهَدَنَ (سوم شخص مفرد) شاهَدَ (یک حرف زائد «ا»).

نکته: ریشه (سه حرف اصلی) همه فعل ها بر اساس « ف - ع - ل » است.

فعل های ثلاثی مزید، وزن مخصوص به خود را دارند و در هشت باب معرفی می شوند که چهار باب را در درس سوم و چهار باب دیگر را در درس چهارم میخوانیم. برای هر باب، وزن سوم شخص مفرد ماضی و مضارع و وزن دوم شخص مفرد امر و هم چنین مصدر آن در جدول زیر نوشته می شود.

وزن فعل های ثلاثی مزید در چهار باب از ریشه « ف - ع - ل » با ذکر مثال (حروف زائد در سوم شخص مفرد ماضی مشخص شده اند).

مصدر	امر	مضارع	ماضی	
اِسْتِفْعَال	اِسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعَلَ	وزن باب اِسْتِفْعَال
اِسْتِغْفَار آمزش خواستن	اِسْتَغْفِرْ آمزش بخواه	يَسْتَغْفِرُ آمزش می خواهد	اِسْتَغْفَرَ آمزش خواست	مثال از « غ ف ر »
اِفْتِعَال	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ	وزن باب اِفْتِعَال
اِكْتِسَاب بدست آوردن	اِكْتَسِبْ بدست آور	يَكْتَسِبُ بدست می آورد	اِكْتَسَبَ بدست آورد	مثال از « ک س ب »
اِنْفِعَال	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ	وزن باب اِنْفِعَال
اِنْبِعَاث فرستاده شدن	اِنْبَعِثْ فرستاده شو	يَنْبَعِثُ فرستاده می شود	اِنْبَعَثَ فرستاده شد	مثال از « ب ع ث »
تَفَعَّلْ	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ	وزن باب تَفَعَّلْ
تَخْرَجُ دانش آموخته شدن	تَخْرَجْ دانش آموخته شو	يَتَخَرَّجُ دانش آموخته می شود	تَخَرَّجَ دانش آموخته شد	مثال از « خ ر ج »

نکته: تشدید (-) در وزن « تَفَعَّلْ » به معنی تکرار حرف دوم ریشه در ماضی است. بنابراین ماضی از مصدر تَفَعَّلْ، دو حرف زائد (« ت » و تکرار عین الفعل « ع ») دارد.

نکته: چرا فعل ها، به باب های ثلاثی مزید برده می شوند؟ باید بگوییم که زیرا دایره لغات و ترجمه آن ها وسیع تر می شود.

کاربرد باب ها در ترجمه فعل ها:

باب « **اِسْتِفْعَال** » معمولاً برای **طلب و درخواست** به کار می رود.

مثال: عَفَرَ: آمرزید ← اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست

باب های « **اِفْتِعَال، اِنْفِعَال، تَفَعُّل** » معمولاً برای **پذیرش اثر فعلی** به کار می روند.

مثال: جَمَعَ: جمع کرد ← اِجْتَمَعَ: جمع شد (باب اِفْتِعَال)

بَعَثَ: فرستاد ← اِنْبَعَثَ: فرستاده شد (باب اِنْفِعَال)

فَتَحَ: باز کرد ← تَفَتَّحَ: باز شد (باب تَفَعُّل)

روش تشخیص فعل های ثلاثی مزید و حروف زائد آن:

برای این که بفهمیم یک فعل حرف زائد دارد یا نه، **ملاک، سوم شخص مفرد ماضی آن** است؛ "اگر ریشه فعل را جدا کنیم و حرف اضافه باقی بماند؛ یعنی آن فعل علاوه بر سه حرف اصلی، حرف یا حروف زائد دارد؛ مانند: « **كَسَرَ** » که فقط سه حرف اصلی دارد ولی « **اِنكَسَرَ** » علاوه بر سه حرف اصلی (ک، س، ر)، دو حرف زائد دارد. چند مثال دیگر را ببینیم"

يَسْتَعْمِلُ (مضارع) ← سوم شخص مفرد ماضی ← اِسْتَعْمَلَ: سه حرف اصلی (ع م ل)، حروف زائد (ا- س- ت).

اِفْتَحِرُوا (امر) ← سوم شخص مفرد ماضی ← اِفْتَحَرَ: سه حرف اصلی (ف خ ر)، حروف زائد (ا- ت).

تَتَكَبَّرُونَ (مضارع) ← سوم شخص مفرد ماضی ← تَكَبَّرَ: سه حرف اصلی: (ک ب ر)، حروف زائد (ت) - تکرار حرف دوم «ب».

تَنْجَحُونَ (مضارع) ← سوم شخص مفرد ماضی ← نَجَحَ: سه حرف اصلی (ن ج ح)، حروف زائد (ندارد).

نکته: در فعل هایی مانند: « اِنْتَضَرَ، اِنْتَصَرَ، اِنْتَبَهَ، اِنْتَشَرَ، اِنْتَقَمَ، اِنْتَخَبَ »، چون بعد از حرف « ن »، حرف « ت » آمده است، این فعل ها، ماضی از باب اِفْتِعَال هستند نه اِنْفِعَال و ریشه آن ها به ترتیب « نَضَرَ، نَصَرَ، نَبَهَ، نَشَرَ، نَقَمَ، نَخَبَ » می باشد.

نکته: در فعل هایی مانند « اِسْتَمَعَ، اِسْتَلَمَ، اِسْتَرَقَ، ... » چون بعد از سه حرف « اِسْتِ » دو حرف باقی می ماند، این فعل ها، ماضی باب اِفْتِعَال هستند نه « اِسْتِفْعَال »، بنابراین حرف « س » جزو ریشه آن ها « سَمِعَ، سَلِمَ، سَرَقَ » می باشد. اگر بعد از « اِسْتِ » سه حرف باقی بماند آن فعل، ماضی باب اِسْتِفْعَال می باشد: « اِسْتَكْبَرَ، اِسْتَعْلَمَ، اِسْتَقْبَلَ ».

نکته: در گذشته خواندیم که فعل امر مخاطب از مضارع مخاطب (دوم شخص) ساخته می شود؛ در ساختن فعل امر از مضارع باب تَفَعَّلُ، بعد از حذف حرف مضارعه (ت) از اول آن « تَتَفَعَّلُ : امر تَفَعَّلَ »، حرف اول حرکت دارد، بنابراین احتیاج به الف ندارد و وزن امر آن « تَفَعَّلَ » می باشد. مثال: تَتَعَلَّمُ: امر: ← تَعَلَّمَ (یاد بگیر)

گاهی ضمیر یا اسم ، ... مشخص می کند که در باب تَفَعَّلُ، فعل (در وزن های « تَفَعَّلَا، تَفَعَّلُوا، تَفَعَّلْنَ ») ماضی است یا امر!

مثال: اَلطَّالِبَانِ تَعَلَّمَا: دو دانش آموز یاد گرفتند (ماضی) تَعَلَّمَا أَنْتُمَا: شما یاد بگیرید. (امر).

هُم تَعَلَّمُوا: آن ها یاد گرفتند. (ماضی) / يَا زُمَلَائِي، تَعَلَّمُوا: ای هم شاگردی هایم، یاد بگیرید. (امر).

نکات ترجمه:

یکی از معانی مشهور باب اِسْتِفْعَال « طلب و درخواست » است و معمولاً مُتَعَدِّی (گذرا: مفعول پذیر) است.

مثال غَفَرَ: آمرزید / اِسْتَغْفَرَ: آمرزش خواست ، رَحِمَ: رحم کرد / اِسْتَرْحَمَ: رحم خواست.

خَدَمَ: خدمت کرد / اِسْتَخْدَمَ: خدمت خواست ، شَهِدَ: شاهد بود، حاضر شد / اِسْتَشْهَدَ: شهادت خواست، گواهی خواست.

گاهی فعل ها در باب استفعال، لازم (ناگذر، مفعول ناپذیر) هستند. مثال: اِسْتَسَلَّمَ (تسلیم شد) / اِسْتَكْبَرَ (سرکشی کرد) / اِسْتَوَلَى (چیره شد).

معنای مشهور باب های « اِفْتِعَالِ»، « اِنْفِعَالِ»، « تَفَعُّلِ»، « مُطَاوَعَه (پذیرش اثر فعل) » است.

مثال: مَنَعَ الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ عَنِ الْعَمَلِ، فَاَمْتَنَعَ. پزشک بیمار را از کار بازداشت، پس (او پذیرفت) و خود داری کرد.

أَدَّبَ الْوَالِدُ الطِّفْلَ، فَتَأَدَّبَ. پدر کودک را ادب کرد پس او با ادب شد.

كَسَرَ الطِّفْلُ الزُّجَاجَ، فَانْكَسَرَ الزُّجَاجُ. کودک شیشه را شکست، پس شیشه شکسته شد.

فعل ها در باب های « اِفْتِعَالِ و تَفَعُّلِ » برخی لازم و برخی دیگر متعدی هستند.

تَكَبَّرَ: تکبر ورزید (لازم) تَعَلَّمَ: یادگرفت (متعدی)

اِنْتَشَرَ: منتشر شد (لازم) اِحْتَرَمَ: احترام گذاشت (متعدی)

بروزترین و برترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

Konkur
.info

<https://konkur.info>